



پرسمان دینی (۸۲)



شہد و شہادت

بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه

مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی

سورة الاحقاف

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَمَفَاتِيحُهُ السُّؤَالُ، فَاسْأَلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّهُ
تُؤَجَّرُ أَرْبَعَةٌ، السَّائِلُ وَالْمُتَكَلِّمُ وَالْمُسْتَمِعُ وَالْمُحِبُّ لَهُمْ.



دانش همانند گنجینه‌هایی است که کلیدهای
آنها پرسش است. پس بهر سید- خداوند شما را رحمت کند-
که در این بین چهار تن اجر برند:
آنکه می‌پرسد و گوینده و شنونده و دوستدار ایشان.

تحف العقول عن آل الرسول عليهم السلام، ج ۱، ص ۴۱



پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات

یکی از اساسی‌ترین وظایف حوزه‌های علمیه است.





شہید و شہادت پرسمان دینی (۸۲)

بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه
مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی

شهید و شہادت

پژوهشگران

حجج اسلام عباس محمودی،
محمد جواد حسنی، علی انجم شعاع،
محمد نادری و محمد هادی خالصی
مقدم

مصصح

حجت الاسلام رضا عطایی مرغملکی
و علی انصاریان پور

ناظر

حجت الاسلام جواد مرادی

چاپ اول

مهرماه ۱۴۰۲



فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۰
۱. مصداق شهید.....	۱۲
۲. بخشش گناهان شهید.....	۱۸
الف. بخشش همه گناهان	۱۸
ب. استثناء از بخشش	۱۹
۳. بالاترین عمل.....	۲۳
الف. متن روایت	۲۳
۱. برترین عمل به تناسب زمان و مکان	۲۵
۲. برترین عمل به تناسب شرایط افراد	۲۵
۳. برتری از جهت میزان اثرگذاری	۲۵
۴. ارزش شهید و شهادت.....	۲۸
الف. دارا بودن بالاترین مقام بین بندگان	۲۸
ب. بالاترین و بهترین مرگ	۳۰
ج. اولین وارد شونده به بهشت	۳۱
د. پاک شدن از گناهان	۳۲
ه. دارنده مقام شفاعت	۳۳
۵. شهیدان زنده اند.....	۳۵
الف. زنده بودن شهدا	۳۵
ب. نامحسوس بودن حیات شهدا	۳۸
ج. تمایز زنده بودن شهدا از دیگران	۳۹



- ۴۱..... حیات طیبه.
- ۴۲..... ۶. کسب ثواب شهادت.....
- ۴۳..... الف. راهکارهای عملی.....
- ۴۷..... ب. راهکارهای اعتقادی.....
- ۵۴..... ۷. برزخ شهید.....
- ۵۵..... مقام شهید نزد خداوند.....
- ۶۰..... کتاب نامه.....



مقدمه

مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی، وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مفتخر است در طی سالیان متمادی با بهره‌گیری از کارشناسان باتجربه و با رویکرد تخصصی در فرآیند پاسخگویی، میلیون‌ها پرسش از سوی اقشار مختلف جامعه را در رشته‌های «قرآن»، «حدیث»، «کلام و اعتقادات»، «تاریخ»، «اخلاق و تربیت»، «مشاوره»، «احکام شرعی» و «سیاست» پاسخ گفته است.

بخش پاسخگویی مکتوب این مرکز، به‌عنوان باسابقه‌ترین بخش، با رسالت «پاسخگویی مطلوب به سؤالات ویژه»، عهده‌دار تولید محتوای غنی و منطبق با اصول علمی تحقیق در عرصه پاسخ به سؤالات دینی است که در راستای توصیه مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای حفظه الله تعالی، بر آن شد تا مجموعه پرسش و پاسخ‌ها را به‌صورت محصولات متنوع و متعدد، در قالب کتاب و نرم‌افزار ارائه کند. این اثر حاوی چند پرسش و پاسخ حول محور **شهادت** است که با عنوان **«شهید و شهادت»** تدوین شده است. رویکرد بخش مکتوب در تدوین این مجموعه رعایت اختصار در تعداد سؤال و ارائه پاسخ جامع و مستند است.



در پایان از حمایت و پیگیری ریاست مرکز ملی پاسخگویی، جناب
حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر محمدجواد اصغری و نیز از همه
کارشناسان محترم پاسخگو و تمامی افرادی که در انتشار این مجموعه
نقش ایفا کرده‌اند، تشکر و قدردانی می‌شود.

از خداوند منان برای همه دست‌اندرکاران در فرآیند پاسخگویی به
پرسش‌های دینی، توفیق روزافزون مسئلت دارم.

مدیر بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه

جواد مرادی



۱. مصداق شهید

پرسش:

از نظر دینی به چه کسی شهید می‌گویند؟

پاسخ:

شهید، فرهنگ شهادت و شهادت‌طلبی، یکی از پربسامدترین موضوعات دینی است و از مهم‌ترین راهکارهای اجتماعی دین برای تحصیل هدف حفظ، گسترش، بالندگی و اقتدار دین و جامعه دین‌دار است. این فرهنگ، با تزکیه مؤمنان و تقویت روح ایمان، تعبّد و غیرت دینی در آن‌ها و نیز تقویت روح ایثار و تعاون و صبر و ولایت‌پذیری و احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی، جامعه دینی را اقتدار، عزت و استحکام می‌بخشد و بدین صورت از دین و ارزش‌های متعالی آن پاسداری می‌کند؛ اما برای دانستن معنای شهید در معارف اسلامی به نکات زیر توجه بفرمایید:

۱. واژه شهید از ریشه «شهد» استخراج شده و معانی مختلفی برای آن در نظر گرفته شده است؛ مانند «گواه»، «حاضر»، «شخصی که چیزی از دایره



دانش او خارج نیست» و ...^۱ واضح است که تنها خداوند است که می‌تواند در مرحله اول و اصالتاً، دارای چنین خصوصیتی باشد و به همین دلیل است که «شهید» در آیات بسیاری از قرآن، به‌عنوان صفت خداوند متعال بیان شده است.^۲ البته در مراحل بعدی، پیامبران^۳ ملائکه^۴ و حتی گواهانی که اکنون از آنان به‌عنوان شاهد نام برده می‌شود^۵ نیز مشمول عنوان شهید قرار گرفته‌اند؛ بنابراین نتیجه آن است که شهید هر شخصی است که آگاهی بیشتری نسبت به دیگران دارد و این عنوان را برای افراد بسیاری می‌توان استفاده نمود که صدالبته درجات آن متفاوت است؛ مانند واژه نور که در درجات مختلف، هم قابل استفاده برای ذات مقدس خداوند است و هم می‌توان آن را در ماه و خورشید و ... بکار گرفت، حتی استعمال آن برای پرتو اندکی از شمع نیز دروغ و کذب نخواهد بود. استفاده از واژه شهید نیز به همین ترتیب قابل ارزیابی است.

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالفکر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق. ج ۳، ص ۲۳۸.

۲. سوره آل عمران، آیه ۹۸؛ سوره انعام، آیه ۱۹؛ سوره یونس، آیه ۴۶؛ سوره حج، آیه ۲۲.

۳. سوره بقره، آیه ۱۴۳؛ سوره مائده، آیه ۱۱۷.

۴. سوره ق، آیه ۲۱.

۵. سوره بقره، آیه ۲۸۲.



۲. در آیات مبارکه قرآن کریم به صورت مکرر، کلمه «شهید» و «شهداء» و سایر مشتقات این واژه استعمال شده است ذکر شده که به معنی گواه، حجت، حاضر، آگاه و مقتول در راه خدا به کار رفته است. یکی از آیاتی که در آن بر مقتول فی سبیل الله «شهید» اطلاق شده است این آیه شریفه است که خداوند می فرماید «و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند، (در روز رستاخیز)، همنشین کسانی خواهد بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده؛ از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان؛ و آنها رفیق‌های خوبی هستند»^۱! مفسرانی مانند صاحب مجمع‌البیان، در تفسیر این آیه نوشته‌اند که منظور از «شهداء» کسانی هستند که در راه خدا برای رضای او به منظور برقراری حق کشته می‌شود.^۲ دیگر واژه‌های مشتق از ماده شهید در قرآن به معنای شهید در معرکه جنگ نیست و در بیشتر مواقع از چنین افرادی در قرآن، با عناوین مختلفی یاد شده است که معمولاً از ریشه «قتل» است.^۳ با تحقیق در واژه «قتل» در میابیم که ۷۷ مرتبه این واژه و مشتقاتش در قرآن ذکر شده است که در شش مورد که قتل فی سبیل الله ذکر شده می‌تواند به معنای شهید باشد (سوره بقره آیه ۱۵۴؛ سوره

۱. سوره نساء آیه ۶۹.

۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران، چاپ ۳، ۱۳۷۲ ه. ش، ج ۳،

ص ۱۱۲.

۳. سوره آل‌عمران، آیه ۱۵۸-۱۵۷، ۱۶۹، سوره نساء، آیه ۷۴؛ سوره توبه، آیه ۱۱۱.



آل عمران آیات ۱۵۷ و ۱۶۹ و ۱۹۵؛ سوره نساء آیه ۷۴ و سوره توبه آیه (۱۱۱) شاید روشن ترین آیاتی که می توان در آن کشته شدن در راه خدا را با شهادت در معرکه جنگ مرادف دانست آیات ۱۵۴ سوره بقره و ۱۶۹ سوره آل عمران دانست که خداوند متعال می فرماید: «گمان نکنید کسانی که در راه خدا کشته شده اند مرده اند بلکه آنان زنده هستند...»

۳. اما در روایات واژه شهید برای جانبازان در معرکه جهاد زیاد استفاده شده است. زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بعد از آن، عنوان شهید برای افرادی که در راه خدا کشته می شدند، زیاد استفاده می شده و تقریباً این واژه به نوعی، انصراف به چنین افرادی داشت، به گونه ای که اگر به عنوان نمونه، در روایتی چنین بیان شده باشد که فاطمه زهرا سلام الله علیها هر صبح شنبه به زیارت قبور شهدا می شتافت و بر سر قبر عمویش حمزه برای آنان طلب آمرزش می نمود.^۱ بدون تردید مراد از شهدا در این روایت، همان افرادی هستند که در راه خدا کشته شدند. با این وجود، هر چند مسلماً این افراد از مقام بالاتری نسبت به سایر مسلمانان برخوردار بوده اند و به همین دلیل نیز در جای خود در فقه و احکام ثابت است که

۱. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۴۰۹ هـ.ق،



احکام خاصی؛ مانند لازم نداشتن غسل و کفن برای این دسته از شهدا مقرر شده است.

۴. البته نمی‌توان عنوان شهید را منحصر در آن‌ها دانست. روایاتی نیز شاهد بر این مدعا است که معنی وسیع شهادت آن است که انسان در مسیر انجام وظیفه الهی کشته شود، یا بمیرد، هر کس در حین انجام چنین وظیفه‌ای، به هر صورت از دنیا برود «شهید» است. لذا، در روایات اسلامی آمده است: چند گروه شهید از دنیا می‌روند:

امیر مؤمنان علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«کسی که در بستر از دنیا رود، اما معرفت حق پروردگار و معرفت واقعی پیامبر او و اهل‌بیتش را داشته باشد شهید از دنیا رفته است!»^۱

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌فرمودند:

هر فرد با ایمانی از امت من، صدیق و شهید است، البته خداوند، به برخی افرادی که با شمشیر کشته شده‌اند، نظر خاص و ویژه‌ای دارد. سپس ایشان برای تأیید سخنانشان، آیه ۱۹ سوره حدید را قرائت فرمودند به این بیان که آنانی

۱. سید رضی، محمد بن حسین، نهج‌البلاغه، قم، هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۸۳.



که به خدا و پیامبرانش ایمان آوردند، نزد خداوند، صدیق و شهید محسوب می‌شوند.^۱

نتیجه:

هرچند، استعمال واژه شهید به نوعی کشتگان در راه خدا را به یاد می‌آورد و به همین دلیل نیز، احکامی که در فقه برای شهید در نظر گرفته شده، ناظر به همین گروه است، اما الزاماً انحصاری به آنان نداشته و می‌توان برای گروه‌های دیگری که در روایات به آن‌ها اشاره شده و نیز تمام افراد با ایمان، این عنوان را اطلاق نمود و درجاتی از ثواب کشتگان در راه خدا را نیز برایشان در نظر گرفت.

منابع برای مطالعه بیشتر:

- کتاب شهید و شهادت، طوبی کرمانی.
- فرهنگ شهادت از دیدگاه قرآن و سنت، مجتبی نوروزی.

^۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۹۷، ص



۲. بخشش گناهان شهید

پرسش:

آیا تمام گناهان شهید حتی نمازهایی که قضا شده و یا حق الناسی که به گردن دارد هم بخشیده می شود؟

پاسخ:

مجاهدت در راه خدا و شهادت در این راه، مقام ویژه‌ای است که به سادگی برای همگان قابل دسترسی نبوده و این توفیق برای گناهکاران حاصل نخواهد شد. به عبارت دیگر شهیدان انسان‌های برگزیده‌ای هستند که توانسته‌اند به جایگاه بالای معنوی با عنوان شهادت دست یابند؛ بنابراین شاید تصویر اینکه همه شهیدان، کوله باری سنگین از گناه دارند که باید با ریخته شدن خونشان پاک شود، خیلی به واقعیت نزدیک نباشد. باین حال، در برخی روایات به بخشش گناه شهیدان اشاره شده که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

الف. بخشش همه گناهان

در برخی روایات به صورت کلی (مطلق) وعده داده شده که همه گناهان شهید بخشیده خواهد شد به عنوان نمونه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:



«لِلشَّهِيدِ سَبْعُ خِصَالٍ مِنَ اللَّهِ أَوَّلُ قَطْرَةٍ مِنْ دَمِهِ مَغْفُورٌ لَهُ كُلُّ ذَنْبٍ
 ...؛ برای شهید از سوی خداوند متعال هفت خصلت قرار
 داده شده؛ نخست اینکه با ریخته شدن نخستین قطره
 خورش، همه گناهایش آمرزیده می شود...»^۱

همچنین امام صادق علیه السلام نیز در روایتی می فرمایند:

«مَنْ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَمْ يَعْرِفْهُ اللَّهُ شَيْئًا مِنْ سَيِّئَاتِهِ؛ هرکسی در
 راه خدا کشته شود، خداوند هیچ کدام از بدی هایش را به او
 نمی نمایاند.»^۲

درواقع ممکن است شهید گناهایی داشته باشد، اما به روی او آورده
 نمی شود و همه را می بخشند، گویی بدون گناه وارد عالم آخرت شده
 است.

ب. استثناء از بخشش

روایات دیگری وجود دارد که از بین گناهایی ثبت شده در پرونده اعمال
 یک شهید که قابلیت بخشیده شدن را دارند، یکی را استثناء کرده اند و

۱. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحكام (تحقیق خراسان)، تهران: دارالکتب الإسلامیه،

چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۱۲۱.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: اسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۵۴.



آن‌هم بدهی به مردم و یا همان حق‌الناسی است که بر عهده او باقی مانده است. امام باقر علیه‌السلام در این باره می‌فرمایند:

«كُلُّ ذَنْبٍ يَكْفُرُهُ الْقَتْلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِزٌّ وَ جَلٌّ إِلَّا الدَّيْنَ لَا كَفَّارَةَ لَهُ إِلَّا أَدَاؤُهُ، أَوْ يَقْضَى صَاحِبَهُ، أَوْ يَعْفُو الَّذِي لَهُ الْحَقُّ؛ كَشْتِهِ شَدَنَ فِي رِجْلِ خَدَا، هَرِّ گَنَاهِي جِز قَرَضٍ رَا پَاك مِي كَنْد؛ زِيْرَا قَرَضٍ جِز بَا اَدَا شَدَن پَاك نَشُوْد. يَا بَايْد وَا مَدَار، وَا م خُود رَا پِرْدَا زِد و يَا طَلْبِكَا رَا حَقَّ خُود بَغْدَرْد»^۱.

روشن است که محاسبه اعمال نیک و بد بندگان به یک صورت نیست و بسته به نوع آن، محاسبه آن‌ها نیز متفاوت است.

حق مردم و بدهی به آنان حتی با شهادت نیز قابل مسامحه نیست و به حساب فردی که بهترین سرمایه خود را در راه خدا فدا کرده نیز رسیدگی خواهد شد. در روایتی از حضرت علی علیه‌السلام، درباره دین و بدهی به مردم چنین آمده است:

«إِيَّاكُمْ وَ الدَّيْنَ فَإِنَّهُ مَذَلَّةٌ بِالنَّهَارِ وَ مَهَمَّةٌ بِاللَّيْلِ وَ قَضَاءٌ فِي الدُّنْيَا وَ قَضَاءٌ فِي الآخِرَةِ؛ پِرِهِيْزِيْد و دُوْرِي گِرِيْنِيْد اَز زِيْر بَا ر قَرَضٍ رِفْتَن كِه خُوَا ر كَنْنَدِه اَنْسَا ن دَر رُوْز اَسْت و مَوْجِب اَنْدُوْه و

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۹۴.



رنج بردن او در شب و یکبار گرفتاری پرداختش در این دنیا و یکبار گرفتاری دیر پرداختن و یا نپرداختن آن، در آخرت را باعث می‌شود.^۱

بنابراین بدهکاری به مردم که مورد مذمت هم قرار گرفته می‌تواند دامن‌گیر شهید راه خداوند نیز بشود و درحالی‌که همه گناهان او حتی گناهان بزرگی مانند قضا شدن نماز و ... بخشیده می‌شود، باید پاسخگوی بدهی خود به مردم و بازگرداندن حق آن‌ها باشد. به عبارت دیگر این گونه نیست که خداوند با شهادت، حقوق دیگران را نادیده بگیرد، بلکه شهید نیز نسبت به حقوق دیگران مسئول است، البته چنین چیزی هم قابل‌تصور است که خداوند بدهی و دین شهید را جبران کند و آن‌چنان به صاحب حق ببخشد که او از شهید راضی شود.

نتیجه

روایات دسته اول مطلق است که می‌تواند به این معنا باشد که همه گناهان حتی بدهی نسبت به مردم را از شهید خواهند بخشید و یا گویای این واقعیت باشد که افراد بدهکار به درجه شهادت دست نخواهند یافت.

۱. ابن‌بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، محقق و مصحح: غفاری، علی‌اکبر، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، ص ۱۸۲.



به هر حال روایت امام باقر علیه السلام که از بین گناهان بخشیده شده شهید، دین و حق الناس را استثناء کرده، می تواند روایات قبلی را مقید کرده و در واقع دایره بخشش را روشن تر کرده است؛ بنابراین اگر فرد بدهکار و کسی که حقی از مردم به گردن اوست، شهید بشود، باز هم باید بابت آن بدهی ها در عالم آخرت، پاسخ گو و جبران کننده باشد.

کلیدواژه:



۳. بالاترین عمل

پرسش:

در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که «بالاتر از هر نیکی، نیکی دیگر وجود دارد، مگر شهادت در راه خدا، که بالاتر از آن نیکی نیست» پس چرا می گویند عالم برتر از شهید است؟

پاسخ:

در روایات متعدد، اعمال مختلفی به عنوان برترین و بافضیلت ترین عمل ذکر شده است. از جمله این موارد، فضیلت و مقام شهید و عالم است. برخی از روایات، دلالت می کنند که برترین نیکی، شهادت است که بالاتر از آن هیچ چیز دیگر نیست؛ از سوی دیگر در روایات متعددی نیز به مقام والای عالم اشاره شده است. ذکر این دو دسته روایات، سبب به وجود آمدن سؤالی در ذهن مخاطب می شود که در مقام مقایسه بین شهید و عالم، کدام برتر هستند؟ در متن پیش رو به وجه جمع این دو دسته روایات پرداخته شده است.

الف. متن روایت

در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است:



«فَوْقَ كُلِّ بِرٍّ حَتَّى يُقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ؛ بالاتر از هر نیکی، نیکی دیگری وجود دارد تا اینکه شخص در راه خدا کشته شود، پس هنگامی که در راه خداوند بلندمرتبه به شهادت رسید، هیچ عمل نیکی برتر از آن نیست»^۱.

از سوی دیگر در حدیثی نقل شده است:

«إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ النَّاسَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ وَوَضَعَتِ الْمَوَازِينُ فَتَوَزَّنُ دِمَاءُ الشُّهَدَاءِ مَعَ مِدَادِ الْعُلَمَاءِ فَيَرْجَحُ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ عَلَى دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ؛ هنگامی که در روز قیامت خداوند همه مردم را در یکجا جمع کند و ترازوی اعمال آورده شود، خون شهیدان با قلم دانشمندان وزن می‌شود، پس قلم عالمان بر خون شهیدان برتری خواهد یافت»^۲.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، محقق/مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، جامعه مدرسین،

چاپ اول، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۹.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا يحضره الفقيه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ج ۴،

ص ۳۹۸.



بر اساس روایت اول، بالاترین مقام و درجه به شهید اختصاص دارد، اما آنچه در روایت دوم مطرح شده این است که مقام عالمان از شهدا برتر است. علت این برتری چند دلیل می‌تواند باشد که در ادامه اشاره می‌شود.

۱. برترین عمل به تناسب زمان و مکان

برترین عمل به تناسب زمان و مکان، متفاوت است به‌عنوان نمونه وقتی مسلمانان در حال جهاد با دشمن باشند و میدان نبرد، خالی از نیروهای جنگی باشد، جهاد با دشمن و شهادت در راه خدا، برترین عمل است، اما وقتی جامعه دینی در حال رقابت علمی با دشمنان است، جایگاه علم و عالم از شهادت برتر است.

۲. برترین عمل به تناسب شرایط افراد

برتری و فضیلت هر عمل ممکن است به دلیل شرایط متفاوت افراد، حتی در یک‌زمان و مکان برای تمام افرادی که در آنجا حضور دارند یکسان نباشد یعنی برای کسی که توان درس خواندن و تحصیل علم دارد، برترین عمل، علم‌آموزی است، اما ممکن است شخص دیگری حافظه خوبی برای دانش آموختن نداشته باشد، اما به‌خوبی بتواند در میدان نبرد با دشمن بجنگد پس برای چنین شخصی، جهاد بالاترین عمل است.

۳. برتری از جهت میزان اثرگذاری



احتمال دیگری هم وجود دارد که ممکن است منظور از برتری عالمان بر شهیدان، از نظر میزان اثرگذاری و تربیت جامعه باشد یعنی آن کسی که می‌تواند جامعه را شهیدپرور تربیت نماید، عالمان دینی خودساخته هستند چنان‌که پس از انقلاب اسلامی، کلام و سخن نافذ امام خمینی رحمه‌الله علیه بود که جوانان را به میدان نبرد با دشمن خبیث می‌کشاند تا جایی که حاضر شدند جان خود را در راه دفاع از انقلاب و آرمان‌های دینی خود فدا نمایند و بارها دیده می‌شد که وقتی یک عالم دینی خودش در میدان نبرد حاضر می‌شد و لحظاتی با رزمندگان اسلام سخن می‌گفت در آن‌ها انگیزه مضاعفی برای نبرد با دشمن ایجاد می‌شد، لذا عالمان فرهیخته می‌توانند مقدمه تربیت شهدا باشند.

نتیجه

گرچه این احادیث باهم تعارض ظاهری دارند، اما بررسی و دقت در آن‌ها نشان می‌دهد هیچ‌گونه تعارض حقیقی بین روایات نیست، بنابراین در جمع‌بندی باید گفت برتری و فضیلت‌هایی که برای یک عمل بیان شده، همواره برتری مطلق نیست، بلکه نسبی است یعنی هر یک از این اعمال، با توجه به موقعیت و شرایط آن عمل، از دیگر اعمال برتر است لذا جایی که تنها راه یاری دین خدا، جهاد و شهادت باشد، شهادت برترین عمل است و شهید بالاترین جایگاه دارد، اما جایی که با علم



دانشمندان و عالمان، دین استوار می‌ماند، علم برترین عمل است و عالم بالاترین جایگاه دارد. البته این احتمال نیز بعید نیست که منظور از برتری عالمان بر شهیدان، میزان اثرگذاری کلام و سخن عالمان دینی باشد که گاهی با یک سخن، هزاران نفر را به میدان نبرد می‌فرستد یعنی مقدمه شهادت، تربیت دینی است که توسط عالمان فرهیخته القا می‌شود، پس اگر عالم دینی نباشد شهیدی هم تربیت نخواهد شد.

کلیدواژه: برترین عمل، شهادت، علم‌آموزی



۴. ارزش شهید و شهادت

پرسش:

ارزش و مقام شهید و شهادت در روایات چگونه بیان شده است؟

پاسخ:

در روایات دینی برای شهید مقام بسیار والایی بیان شده است زیرا او از مهم‌ترین سرمایه خود یعنی نفس و جان خویش ایثار می‌کند؛ از این رو خدای متعال نیز بالاترین جایگاه را به او عنایت فرموده است. جمع‌آوری همه روایاتی که در تعریف و بیان مصادیق شهید، احکام شهید، جایگاه و مقام شهادت و آثار و برکات دنیوی و اخروی شهید و شهادت آمده است می‌تواند مجموعه‌ای سترگ و کتابی بزرگ را پدید آورد اما اکنون در اینجا به مناسبت سؤالی که مطرح گردیده، فقط تعدادی از روایاتی که به ارزش و مقام شهید اشاره نموده‌اند، اشاره می‌شود.

الف. دارا بودن بالاترین مقام بین بندگان

شهادت بالاترین مقام و جایگاه را بین بندگان خداوند دارا می‌باشند. در روایات فراوانی، شهادت به‌عنوان معیار ارزش و عظمت برخی کارها معرفی شده است. عظمت مقام شهادت سبب شده که اولیاء بزرگ الهی آرزوی شهادت کنند.



رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

«وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ -لَوْلَا أَنَّ رِجَالًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَطِيبُ أَنْفُسُهُمْ -
لَوَدِدْتُ أَنِّي أُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، ثُمَّ أَحْيَا ثُمَّ أُقْتَلُ ثُمَّ أَحْيَا ثُمَّ أُقْتَلُ ثُمَّ أَحْيَا ثُمَّ أُقْتَلُ؛ قَسَمَ بِهِ أَنَّهُ جَانِمٌ بِدَسْتِ أَوْسْتٍ -اگر نبود
اینکه جمعی از مؤمنین خوش ندارند- دوست داشتم که در
راه خدا نه یکبار و دو بار که چندین بار زنده گشته و بار
دیگر کشته گردم».^۱

بهشت جایگاهی است که مؤمنان در آرزوی ورود به آن را دارند، پیامبر
اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«هیچ یک از بهشتیان پس از ورود به بهشت آرزوی خروج
از آن را دیگر نخواهند داشت مگر شهید که با مشاهده
آن همه مقامات و کراماتی که خداوند بر او ارزانی داشته
آرزو می کند به دنیا برگردد و ده مرتبه زنده و کشته شود».^۲

۱. بخاری، محمد بن اسماعیل ابوعبدالله، صحیح البخاری، تحقیق: مصطفی دیب البغا، بیروت:

دار ابن کثیر، چاپ سوم، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۲۱.

۲. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محقق / مصحح: مؤسسه

آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۱، ص



شهادت مقامی است که برتر از آن نیکی یافت نمی‌شود همچنان که نبی اعظم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«فَوْقَ كُلِّ بِرٍّ بِرٌّ حَتَّى يُقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بِرٌّ؛ بالاتر از هر نیکی، نیکی دیگری وجود دارد تا اینکه شخص در راه خدا کشته شود، پس هنگامی که در راه خداوند بلندمرتبه به شهادت رسید، هیچ عمل نیکی برتر از آن نیست»^۱.

ب. بالاترین و بهترین مرگ

آرزوی همه افراد این است که مرگ خوبی داشته باشند و عاقبت به خیر گردند. به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام «از مرگ راه فرار و گریزی نیست، کسی که کشته نشود (بالآخره) خواهد مُرد، (آری) بهترین مرگ و میرها کشته شدن در راه خداست»^۲.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، محقق/مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، جامعه مدرسین.

چاپ اول، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۹.

۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، محقق / مصحح: ابراهیم، محمد

ابوالفضل، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۳۰۶.



بر اساس روایات معصومان علیهم السلام، شهید بهترین مرگ را دارد، امام صادق علیه السلام فرموده است:

«أَشْرَفَ الْمَوْتِ قَتْلُ الشَّهَادَةِ؛ برترین مرگ، شهادت است».^۱

ج. اولین وارد شونده به بهشت

بر اساس روایات دینی، شهید اولین کسی است که به بهشت وارد می شود در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است:

«أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ الشَّهِيدُ؛ اولین کسی که به بهشت داخل

می شود شهید است».^۲

علاوه بر آنکه شهدا اولین افرادی هستند که وارد بهشت می شوند، مقام آنها نیز قابل مقایسه با دیگران نخواهد بود همچنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، محقق/مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۴۰۴.

۲. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام، قم، مکتبه فقیه، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۱۲۱.



«خداوند مجاهد فی سبیل الله را صد درجه در بهشت بالاتر از دیگران رفعت می‌دهد که فاصله میان هر دو درجه از زمین تا آسمان است»^۱.

د. پاک شدن از گناهان

کسی که می‌خواهد مقام شفاعت یابد باید خودش از گناه و معصیت پاک باشد بنابراین شهید اگر گناهی هم بر عهده او باشد با ریختن اولین قطره خون او گناهانش پاک می‌گردد. قرآن کریم در آیه ۱۹۵ سوره آل عمران می‌فرماید:

«آنان که از وطن خود هجرت کردند و از دیار خود بیرون رانده شدند و در راه خدا رنج کشیدند، جهاد کردند و کشته شدند، همانا بدی‌های آنان را می‌پوشانیم و آنان را به بهشت‌هایی که از زیر درختان آن نهرهای آب، جاری و روان است، داخل می‌کنیم و این پاداشی است از جانب خدا و پاداشی که از جانب خدا باشد نیکوست».

۱. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، همان، ج ۱۱، ص ۱۸.



در این آیه اشاره شد که خداوند همه بدی‌های کشته‌شدگان در راه خدا را نادیده می‌گیرد و به علاوه از جانب خود به آنان نیکوترین پاداش را عطا می‌کند. در همین رابطه از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که:

«مَنْ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَمْ يَعْرِفْهُ اللَّهُ شَيْئاً مِنْ سَيِّئَاتِهِ؛ کسی که در راه خدا کشته شود خداوند هیچ‌یک از گناهان و بدی‌هایش را به او نشان نمی‌دهد»^۱.

از این حدیث مشخص می‌شود که شهید دارای چه مقامی است که خداوند حتی گناهان او را به خود آن شخص هم نشان نمی‌دهد تا خجالت نکشد و از رفتارهای ناشایستی که داشته، شرم‌منده نگردد.

ه. دارنده مقام شفاعت

شفاعت، از مسلمات دین مبین اسلام به شمار می‌رود و در این زمینه علاوه بر آیات متعدد قرآن، روایات فراوانی از طریق شیعه و سنی از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآئمه‌علیهم‌السلام نقل گردیده است. این مقام فقط بر افراد خاصی داده می‌شود؛ شهید از جمله افرادی است که به

^۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق/مصحح: غفاری علی‌اکبر و آخوندی، محمد، تهران،



مقام شهادت نائل می‌شود. در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است:

«ثَلَاثَةٌ يَشْفَعُونَ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُشَفَّعُهُمْ: الْأَنْبِيَاءُ، ثُمَّ الْعُلَمَاءُ، ثُمَّ الشُّهَدَاءُ؛ سه گروه هستند که در روز قیامت مقام شفاعت دارند و دیگران را شفاعت می‌کنند: انبیاء و پیامبران الهی، عالمان دینی و شهدا»^۱.

نتیجه

از منظر آموزه‌های دینی، شهید دارای بالاترین درجه و جایگاه بشری است از همین رو هرکسی توفیق دستیابی به این مقام را نمی‌یابد. شهادت، بهترین نوع مرگ است و شهید با ریختن خورش از تمام گناهان پاک می‌گردد، لذا اولین وارد شونده به بهشت اوست و نه تنها خودش وارد بهشت می‌شود؛ بلکه می‌تواند دیگران را نیز شفاعت نماید. البته مواردی که بیان شد فقط قسمت اندکی از مجموعه آیات و روایات در فضیلت شهید و جایگاه و مقام شهادت بود.

کلیدواژه: شهید، شهادت، مقام شهید، ارزش شهید

۱. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، محقق/مصحح: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم.

مؤسسه آل البيت عليهم السلام چاپ اول، ۱۴۱۳ ق، ص ۶۴.



۵. شهیدان زنده اند

پرسش:

این که در روایات می گویند شهیدان زنده هستند یعنی چی؟ مگر همه انسان ها در برزخ زنده نیستند؟ پس چه فرقی با شهدا دارند؟

پاسخ:

جایگاه ابدی همه موجودات، آخرت است و دنیا که مزرعه آخرت است به این هدف آفریده شده تا انسان ها و جنیان سالیان محدودی مورد ابتلا و آزمایش قرار گیرند و سپس وارد سرای دیگری شوند. از این رو تمام انسان ها در معرض مرگ بوده و هیچ کسی در دنیا جاودانه نخواهد ماند. قرآن کریم با آنکه در آیات مختلفی مرگ را برای همه افراد ضروری دانسته،^۱ اما در آیات دیگری تعبیر مردن نسبت به شهدا را نفی نموده و آنان را زنده قلمداد می کند. معانی مختلفی برای زنده بودن شهدا مطرح شده که در ادامه بیان می شود.

الف. زنده بودن شهدا

قرآن کریم در آیات مختلفی از زنده بودن شهدا در حال حاضر خبر داده شده است:

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۸۵؛ انبیاء، آیه ۳۵؛ عنکبوت، آیه ۵۷.



﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَ لَكِن لَّا تَشْعُرُونَ﴾^۱ و به کسی که در راه خدا کشته شده مرده نگوئید، بلکه اینان زنده‌هایی هستند، اما شما نمی‌دانید.

در آیه دیگری نیز می‌فرماید:

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾^۲ شهیدانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده نپندارید؛ بلکه زنده‌هایی هستند که در نزد پروردگارشان روزی می‌خورند.

سخن در این است که معنای زنده‌بودن شهدا چیست و تفاوت آنان با سایر مردم چیست که علی‌رغم حیات داشتن همه انسان‌ها در عالم برزخ، زنده‌بودن شهدا به‌طور جداگانه مطرح شده است؟ برای پاسخ این پرسش، نظر برخی از مفسران در این باره بیان می‌شود.

امین الاسلام طبرسی چهار معنا را برای زنده‌بودن شهدا بیان کرده، نخست آنکه شهدا به‌صورت حقیقی در حال حیات هستند.

۱. سوره بقره، آیه ۱۵۴.

۲. سوره آل‌عمران، آیه ۱۶۹.



دوم آنکه مشرکان به اصحاب پیامبر می‌گفتند اینان خود را بی‌جهت می‌کشند و می‌میرند و خداوند در پاسخ به آنان فرمود اینان در قیامت زنده می‌شوند و پاداش می‌گیرند.

سوم آنکه شهدا را مردگان در دین به حساب نیاورید بلکه اینان به واسطه اطاعت و هدایت، زنده‌اند؛ نظیر آیه شریفه:

﴿أَوْ مِنْ كَانِ مِتًّا فَكَحْنِينَاهُ﴾^۱ یا کسی که مرده بود پس ما او را زنده نمودیم.

چهارم آنکه شهدا از آن جهت که نام زیبا و نیک از خود به‌جای گذاشته‌اند، زنده هستند و نامشان باقی است.^۲ این قول‌ها را برخی دیگر از مفسران نیز بیان کرده‌اند.^۳ طبرسی از میان تفاسیر یاد شده، معنای اول را مورد اجماع مسلمانان دانسته و آن را می‌پذیرد و سایر معانی را مردود می‌داند.^۴ علامه طباطبایی نیز پس از بیان سخن کسانی که زنده‌بودن را به

۱. سوره انعام، آیه ۱۲۲.

۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمدجواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصرخسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش. ج ۱، ص ۴۳۳.

۳. فخر رازی، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب) محمد بن عمر، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق. ج ۴، ص ۱۲۵ و ۱۲۶.

۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، همان. ج ۱، ص ۴۳۳.



معنای نیک نامی شهدا دانسته و یا کسانی که آیه را مختص به شهدای بدر دانسته‌اند، این اقوال را مردود دانسته و نظر صحیح را حیات به معنای حقیقی دانسته است.^۱ ایشان این نوع زندگی را زندگی سعادت‌مندان می‌داند که خداوند مؤمنان را با آن، زنده نگه می‌دارد و فرموده است:

﴿إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾^۲

و این نوع زندگی در برابر حیات کافران قرار دارد که خداوند زندگی پس از مرگ کفار را نابودی قرار داده و فرموده است:

﴿وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ﴾^۳ و قوم خود را به سرای نابودی

درآوردند.^۴

ب. نامحسوس بودن حیات شهدا

ویژگی زندگی برزخی شهدا با توجه به قرینه ﴿وَلَكِنَّ لَا تَشْعُرُونَ﴾^۵ این است که مردم نسبت به آن آگاهی ندارند. علامه طباطبایی پس از طرح

۱. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه

مدرسین حوزه علمیه قم، ۴۱۷ ق. ج ۱، ص ۳۴۸-۳۴۵.

۲. سوره عنکبوت، آیه ۶۴.

۳. سوره ابراهیم، آیه ۲۸.

۴. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، همان. ج ۱، ص ۳۴۷.

۵. سوره بقره، آیه ۱۵۴.



این احتمال که امکان دارد مردم زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از حیات برزخی اطلاعی نداشتند، چراکه علی‌رغم وجود آیات و روایات متعدد مربوط به زندگی پس از مرگ، برزخ از ضروریات قرآن نبوده و عده‌ای از مؤمنان تا به امروز آن را قبول ندارند، چنین می‌نویسد:

منظور از ﴿لَا تَسْعُرُونَ﴾ این است که شما با حواستان متوجه چنین حیاتی نیستید و علت به کار رفتن چنین خطابی درباره مؤمنان باوجود آنکه بیشتر آنها متوجه چنین حیاتی هستند این است که نسبت به چنین چیزی که نزدشان معلوم است بیدار و آگاه شوند و با چنین توجهی، اضطراب و نگرانی آنها نسبت به کشته شدن از بین می‌رود و جدایی از زندگی دنیا در برابر حیات طیبه، آسان خواهد شد.^۱

ج. تمایز زنده‌بودن شهدا از دیگران

پس از آنکه گفته شد منظور از زندگی شهدا در این آیات، زندگی برزخی و بعد از مرگ است، چنین پرسشی به ذهن می‌آید که با وجود حیات بعد از مرگ برای همه انسان‌ها در برزخ و متنعم بودن و عذاب شدن آنها بر اساس عملکردشان در دنیا، وجه انحصار آن نسبت به شهیدان

۱. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، همان. ج ۱، ص ۳۴۶ و ۳۴۷.



چیست؟ پاسخ این پرسش نیز با مراجعه به تفاسیر قرآن کریم روشن می‌شود.

صاحب تفسیر مجمع‌البیان دلیل آن را چنین بیان کرده: وجه اختصاص شهدا به زنده‌بودن، با آنکه مؤمنان دیگر نیز زنده‌اند، از این جهت است که بشارت حال آن‌ها و روزی خوردنشان را مقدم سازد.^۱ تفسیر نمونه نیز دلیل آن را چنین بیان نموده است:

اگرچه زندگی برزخی، اختصاصی به شهیدان ندارد، بسیاری دیگر از مردم نیز دارای حیات برزخی هستند، ولی از آنجا که حیات شهیدان یک حیات فوق‌العاده عالی و آمیخته با انواع نعمت‌های معنوی است و به‌علاوه موضوع سخن، در آیه آن‌ها هستند، تنها نام از آن‌ها برده شده است. آن‌ها به قدری غرق مواهب حیات معنوی هستند که گویا زندگی سایر برزخیان در مقابل آن‌ها چیزی نیست. سپس به گوشه‌ای از مزایا و برکات فراوان زندگی برزخی شهیدان اشاره کرده و می‌فرماید:

﴿فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾^۲ آن‌ها به خاطر نعمت‌های

۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، همان. ج ۱، ص ۴۳۳.

۲. سوره عمران، آیه ۱۷۰.



فراوانی که خداوند از فضل خود به آن‌ها بخشیده است خوشحال‌اند.^۱

نتیجه

سوره بقره و آل عمران مشتمل بر آیاتی است که بر زنده بودن شهدا پس از شهادتشان دلالت دارد و اکثر مفسران، حیات برزخی انسان را با آن اثبات می‌نمایند. نظرات متفاوتی مانند باقی ماندن نام نیک و هدایت‌گری، در معنای زنده بودن شهدا بیان شده که نظر صواب، دارا بودن حیات به معنای واقعی است که از ویژگی‌های آن ناملموس بودن و قابل حس نبودن با حواس ظاهری است. گرچه از آیات و روایات متعدد می‌توان حیات برزخی همه انسان‌ها را فهمید، اما از آنجا که شهدا از مرحله بالا و مرتبه شدیدتری از این نوع زندگی برخوردار بوده و دارای حیات طیبه و برخوردار از روزی‌های پروردگارانند و بر احوال اهل دنیا باخبر بوده و بر آن‌ها اشراف دارند، به صورت جداگانه در این آیات از آن‌ها یاد شده است.

کلیدواژه: زندگی برزخی، زنده‌بودن شهیدان، باقی ماندن نام نیک شهدا، حیات طیبه.

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ اول، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ ش. ج



۶. کسب ثواب شهادت

پرسش:

بر اساس روایات چه اموری هستند که اگر انجام دهیم ثواب شهید به ما می دهند؟

پاسخ:

شهید و شهادت در فرهنگ اسلامی از جایگاهی بسیار والایی برخوردار است. مرگ با شهادت، بهترین عاقبت به خیری است. بر اساس آموزه های اسلام، شهید دو معنا دارد: یک معنای آن کشته شدن در معرکه و میدان جنگ در راه خدا است که دارای احکام ویژه ای در فقه اسلامی است؛ اما یک معنای عام و گسترده دیگری نیز دارد که چنین است «کشته شدن و یا فوت کردن انسان در مسیر انجام دادن وظیفه الهی». اگرچه شهادت در میدان جنگ برای همگان میسر نیست، اما مطابق احادیث، افراد می توانند با انجام برخی کارها به ثواب شهدا نائل آیند. علاوه بر این بر اساس سخنان اهل بیت علیهم السلام داشتن برخی اعتقادات نیز می تواند انسان را در مقام شهدا قرار دهد. در ادامه به برخی از این موارد اشاره و روایاتی پیرامون آن ارائه خواهد شد.



الف. راهکارهای عملی

در ابتدا باید اشاره کرد که شهادت امری است که فقط خداوند از آن اطلاع دارد و لذا شاید کسی به ظاهر در معرکه کشته شود ولی شهید نباشد و فردی دیگر در بستر خود بمیرد، ولی در پیشگاه الهی شهید محسوب شود.^۱ مطابق احادیث افراد می‌توانند با استفاده از راهکارهای عملی که در ادامه می‌آید، مقام خود را ارتقا داده و به منزلت شهدا نزدیک شوند.

۱. پاک‌دامنی

مطابق احادیث، کسی که پاک‌دامنی را سرلوحه کار خود قرار داده و در هنگام مواجهه با گناه از آن دست می‌کشد، از ثوابی همچون شهدا برخوردار خواهد شد. در روایتی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام چنین نقل شده است:

«مَا الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ أَجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَى؟^۲

مجاهدی که در راه خدا به شهادت رسیده باشد، پاداشش بیشتر از کسی نیست که بتواند -گناه کند- و پاک‌دامنی ورزد.

۱. ابی نعیم الأصبهانی، حلیه الأولیاء و طبقات الأصفیاء، مصر: قاهره، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۵۱.

۲. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، محقق / مصحح: صالح، صبحی، قم: هجرت،



۲. صبر

راه دیگر برای رسیدن به مقام شهادت، صبر در مشکلات است. امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید:

«مَا ابْتُلِيَ اللَّهُ عَبْدًا مُؤْمِنًا بِبَيْتِهِ فَصَبَرَ عَلَيْهَا، إِلَّا كَانَ لَهُ مِثْلُ أُجْرِ أَلْفِ شَهِيدٍ»^۱ وقتی که بنده‌ی مؤمنی به بلایی دچار شود و بر آن صبر کند، خداوند مانند اجر هزار شهید را به او می دهد.

۳. فروبردن خشم

از دیگر راه‌های رسیدن به مقام شهید، فروبردن خشم است. پیامبر صلی الله علیه و آله در این رابطه فرمودند:

«مَنْ كَظَمَ غَيْظًا وَ هُوَ قَادِرٌ عَلَىٰ إِنْفَاقِهِ وَ حَلَمَ عَنْهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ شَهِيدٍ»^۲ هر که خشم خود را فروخورد در صورتی که می تواند آن را بکار برد، خداوند اجر شهیدی به او عنایت کند.

۴. خدمت به خانواده

۱. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامه، محقق / مصحح: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسه البعثه، قم: بعثت، ۱۴۱۳ ق، ص ۳۶۵.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق، ج ۴، ص ۱۵.



کمک و خدمت به خانواده از دیگر سفارش‌هایی است که در احادیث برای آن اجر شهید آمده است. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نقل شده است:

«مَنْ كَانَ فِي خِدْمَةِ الْعِيَالِ فِي الْبَيْتِ وَ لَمْ يَأْتِ كَتَبَ اللَّهُ تَعَالَى اسْمَهُ فِي دِيْوَانِ الشُّهَدَاءِ؛ هرکسی که در خانه به همسر کمک کند (در خدمت عیال باشد) و آن را ننگ نداند، خداوند نام او را در دیوان شهیدان بنویسد.^۱

۵. دفاع از ارزش‌ها

راهکار دیگر در رسیدن به مقام شهادت، کشته شدن در راه دفاع از ارزش‌ها است. احادیث در این زمینه بسیار زیاد هستند. در روایات بیان شده کسی که در راه دفع ستم از خود، کشته شود^۲ یا برای دفاع از مالش جان دهد^۳ یا برای حفاظت از خودش به قتل برسد^۴ و یا در نگهداری

۱. شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار (لشعیری)، محقق / مصحح: ندارد، نجف: مطبعة حیدریه، بی تا، ص ۱۰۲.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق / مصحح: غفاری علی‌اکبر و آخوندی، محمد، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۵۲، ح ۱.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۵۲، ح ۳.

۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، محقق / مصحح: غفاری، علی‌اکبر، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۳ ق، ص ۴۱۹.



از خانواده‌اش جانش را فدا کند^۱ و یا در راه یاری از دینش بمیرد^۲ شهید محسوب می‌شود.

۶. انجام برخی نمازها و اعمال

علاوه بر موارد بیان‌شده، در برخی احادیث راهکارهایی در حوزه اعمال نیز به چشم می‌خورد. به‌عنوان مثال پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌نمازی را برای ماه رجب بیان فرموده‌اند که به انجام دهنده آن اجری همانند شهدای بدر پاداش داده می‌شود.^۳ این نماز ۳۰ رکعت است و در هر رکعت پس از سوره حمد سه بار سوره توحید و سه بار سوره کافرون خوانده می‌شود.

همچنین در حدیثی دیگر بیان‌شده کسی که ۲۴ روز از ماه شعبان را روزه بگیرد، خداوند اجر شهیدی راستین به او عنایت خواهد فرمود.^۴

۱. قضاعی، محمد بن سلامه، شرح فارسی شهاب الأخبار، محقق / مصحح: حسینی أرموی (محدث)، جلال‌الدین، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱ ش، ص ۱۴۵.

۲. قضاعی، محمد بن سلامه، شرح فارسی شهاب الأخبار، ص ۱۴۵.

۳. طوسی، محمد بن الحسن، مصباح‌المتجهد و سلاح‌المتعبد، محقق / مصحح: ندارد، بیروت: مؤسسه فقه‌الشیعه، ۱۴۱۱ ق، ج ۲، ص ۸۱۸.

۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار، محقق / مصحح: جمعی از محققان، بیروت: دار‌احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۴، ص ۶۷.



در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام بیان شده فردی که هشت شب بیدار شود و به قرآن خواندن بپردازد، خداوند ثواب شهیدی صادق را به او عطا می‌کند و او می‌تواند در قیامت شفیع خانواده‌اش واقع شود.^۱ البته کاملاً واضح است که در کنار انجام این اعمال، باید نسبت به اعمال دیگر خود نیز مراقبت‌های لازم را باید داشته باشیم، به عبارت دیگر هر چند این اعمال برکاتی دارد اما کمال اثر این عبادات و اعمال به شرایط دیگر نیز بستگی دارد.

ب. راه کارهای اعتقادی

مطابق احادیث، راه دیگر رسیدن به مقام شهادت، اعتقاد داشتن به برخی امور است. در ادامه برخی از این موارد بیان خواهند شد.

۱. داشتن ایمان

در روایات فراوانی ذکر شده که ایمان موجب رسیدن افراد به مقام و منزلت شهید می‌شود. به عنوان مثال در حدیثی آمده است شخصی به نام منهال قصاب می‌گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم دعا کنید که خداوند شهادت را روزی من کند. حضرت فرمود:

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الأملی، محقق / مصحح: ندارد، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش، ص



«همانا مؤمن، شهید است. سپس این آیه را تلاوت فرمود:
و کسانی که به خدا و فرستادگان او ایمان آورده‌اند همانان
صدیقان و شهیدان در نزد پروردگارشان هستند»^۱.

در روایتی دیگر از امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز چنین نقل شده است:

«الْمُؤْمِنُ عَلَىٰ أَيِّ حَالٍ مَاتَ وَ فِي أَيِّ سَاعَةٍ قُبِضَ فَهُوَ شَهِيدٌ؛ مؤمن،
در هر حالی که بمیرد و در هر لحظه و ساعتی که جانش
گرفته شود، شهید است»^۲.

بنابراین کسی که به خداوند و رسول او و اهل بیت ایشان ایمان واقعی
داشته باشد، به مقام شهدا نیز نائل می‌گردد.

در روایتی دیگر نقل شده که او اجر کسی را دارد که در لشکر حضرت
مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جان سپرده باشد.^۳

۲. معرفت داشتن به خدا و رسول و اهل بیت

۱. استرآبادی، علی، تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، محقق / مصحح: استاد

ولی، حسین، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۹ ق، ص ۶۳۹.

۲. استرآبادی، علی، تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص ۱۴۷.

۳. طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی (للطوسی)، محقق / مصحح: مؤسسه البعثة، قم: دارالتقافه،

۱۴۱۴ ق، ص ۶۷۶، ح ۱۴۲۶.



از دیگر راه‌های اعتقادی رسیدن به مقام شهادت، معرفت پیدا کردن نسبت به خدا، پیامبر و اهل بیتش علیهم‌السلام است. در روایتی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام چنین نقل شده است:

«هر که در بستر خود بمیرد، در حالی که به حق پروردگارش و حق رسول او و اهل بیت رسولش معرفت داشته باشد، شهید مُرده است و اجرش با خدا است و سزاوار پاداشِ کردار نیکویی است که [انجام آن را] در نیت داشته و این نیت، جای شمشیر کشیدن او را می‌گیرد».^۱

۳. دوستی و موالات اهل بیت علیهم‌السلام

مطابق احادیث، شیعه بودن اجری مساوی شهدا راه خداوند را در پی خواهد داشت. در حدیثی از امام حسین علیه‌السلام آمده است:

«هیچ‌یک از شیعیان ما نیست، مگر اینکه صدیق و شهید است. عرض کردم: چگونه چنین چیزی ممکن است، در حالی که آنان در بسترهای خود می‌میرند؟ حضرت فرمود: مگر کتاب خدا را نخوانده‌ای: کسانی که به خدا و فرستادگان او ایمان آورده‌اند همانان صدیقان و شهیدان در

^۱. شریف‌الرضی، محمد بن حسین، نهج‌البلاغه، همان، ص ۲۸۳.



نزد پروردگارشان هستند؟ سپس فرمود: اگر شهادت فقط اختصاص به کسانی داشت که با شمشیر کشته شوند در آن صورت خداوند شهدا را تقلیل داده بود.^۱

در حدیثی دیگر آمده که دوستی اهل بیت علیهم السلام نیز مساوی اجر شهید خواهد بود.

امام زین العابدین علیه السلام فرمودند:

«مَنْ مَاتَ عَلَى مَوَالِيْنَا فِي غَيْبِهِ قَائِمًا أَعْطَاهُ اللَّهُ، أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلِ شَهِدَا بَدْرٍ وَأُحُدٍ؛^۲ هر که در زمان غیبت قائم ما بر موالات و دوستی ما بمیرد، خداوند پاداش هزار شهید، مانند شهیدان بدر و اُحد، به او عطا کند.»

همچنین در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده:

«هر که بر دوستی آل محمد بمیرد، شهید مرده است.»^۳

۱. قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله، الدعوات (للاوندی) / سلوه الحزین، محقق / مصحح: ندارد، قم: انتشارات مدرسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۴۰۷ ق، ص ۲۴۲، ح ۶۸۱.

۲. قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله، الدعوات (للاوندی) / سلوه الحزین، ص ۲۷۴، ح ۷۸۷.

۳. شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار (للسعیری)، همان، ص ۱۶۶.



در روایتی دیگر دوستی اهل بیت علیهم السلام در زمان غیبت از مواردی است که اجر شهید دارد. چنانکه امام سجاد علیه السلام می فرمایند:

«هر که در زمان غیبت قائم ما بر موالات و دوستی ما بمیرد، خداوند پاداش هزار شهید؛ مانند شهیدان بدر و احد به او عطا کند».^۱

آنچه از این حدیث فهمیده می شود اینکه محبت اهل بیت علیهم السلام چنان ارزشمند است که در زمان غیبت حضرت قائم علیه السلام اگر بمیرد، خداوند اجر هزار شهید مانند شهدای بدر و احد به او خواهد داد.

۴. درخواست صادقانه شهادت

از دیگر راه های رسیدن به مقام شهادت، داشتن آرزوی واقعی شهادت است. این مورد در بخش اعتقادی و نه عملی ذکر شد چراکه در این روایات تصریح شده که فرد باید معتقدانه خواستار شهادت در راه خدا باشد نه اینکه فقط به زبان و سخن چنین درخواستی داشته باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این رابطه می فرمایند:

^۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۱۷۳.



«مَنْ سَأَلَ اللَّهَ الشَّهَادَةَ بِصِدْقٍ بَلَغَهُ اللَّهُ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ وَإِنْ مَاتَ عَلَيَّ فِرَاشِهِ»^۱ هر که صادقانه از خداوند شهادت را مسألت کند، خداوند او را به منزلت‌های شهیدان برساند، هر چند در بستر خود بمیرد».

در روایتی دیگر نیز از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آمده است:

«مَنْ طَلَبَ الشَّهَادَةَ صَادِقًا أُعْطِيَهَا وَ لَوْ لَمْ تُصِبهُ»^۲ هر که به راستی خواهان شهادت باشد، [ثواب آن] به او داده می‌شود، هر چند به شهادت نرسد».

نتیجه

برای رسیدن به مقام شهادت راهکارهایی در احادیث ذکر شده است. برخی از این راه‌ها عملی هستند به‌عنوان مثال پاک‌دامنی، صبر، فروبردن خشم، خدمت به خانواده، دفاع از ارزش‌ها و انجام برخی نمازها و اعمال از اموری هستند که انجام آن‌ها باعث رسیدن به ثواب شهادت خواهد شد. امور دیگری نیز هستند که اعتقادی محسوب شده و با اعتقاد به آن‌ها

۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار، همان، ج ۶۷، ص ۲۰۱.

۲. ابن ابی جمهور، محمد بن زین‌الدین، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینییه، محقق /

مصحح: عراقی، مجتبی، قم: دار سید الشهداء للنشر، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۱۰۱.



خداوند به انسان اجر شهید را عنایت می‌کند. داشتن ایمان، معرفت داشتن به خدا و رسول و اهل بیت علیهم السلام و دوستی و موالات آنها و همچنین داشتن درخواست صادقانه شهادت از این راهکارها است.

کلیدواژه: شهید، شهادت، جهاد، مقام شهید و شهادت



۰۷. برزخ شهید

پرسش:

با توجه به این که برخی از شهدا غیر شیعه هستند و یا حتی حق الناس بر گردن دارند، پس چرا در روایات بیان شده است که شهید در قبرش، مورد امتحان و ابتلا قرار نمی گیرد؟

پاسخ:

بر اساس آموزه‌های اسلام، شهادت مقام والایی است که شهیدان در میدان نبرد حق علیه باطل به آن می‌رسند. شهید وقتی تا آخرین قطره خون خود در راه الهی ایستادگی می‌کند به چنان مقامی می‌رسد که کمتر خوبی توان برابری با آن را پیدا می‌کند. ممکن است به دلیل جزئی‌نگری نسبت به فهم احادیث، برخی چنین گمان کنند که چگونه ممکن است شهیدی که حق الناس بر ذمه دارد بتوان به چنان مقامی برسد؟ درحالی‌که اگر به مجموعه احادیث بنگرند خواهند فهمید مقام شهید به قدری بالاست که خدای متعال ضمانت نموده تمام بدهی‌ها و حقوق او را پرداخت نماید؛ بنابراین طلب طلبکار هر مقدار باشد، به قدرت بی‌انتهای الهی نمی‌رسد از این رو چه اشکالی دارد که خداوند از جانب خود، حقوقی که بر عهده شهید است را پرداخت نموده و او را از پاسخ‌گویی و ابتلا نسبت به آن حقوق معاف دارد.



مقام شهید نزد خداوند

شهید بالاترین مقام را بین بندگان خداوند دارا است رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«فَوْقَ كُلِّ بَرٍّ بَرٌّ حَتَّى يُقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ؛^۱ بالاتر از هر نیکی، نیکی دیگری وجود دارد تا اینکه شخص در راه خدا کشته شود، پس هنگامی که در راه خداوند بلندمرتبه به شهادت رسید، هیچ عمل نیکی برتر از آن نیست».

مقام شهادت به قدری والا است که اولیای الهی و معصومان علیهم السلام از خدای متعال درخواست شهادت می نمودند امیر مؤمنان علیه السلام در نامه خود به مالک اشتر این گونه می نویسد:

«وَأَنْ يَخْتِمَ لِي وَلَكَ بِالسَّعَادَةِ وَالشَّهَادَةِ؛^۲ از خداوند درخواست می نمایم که عاقبت من و تو را به سعادت و شهادت ختم نماید».

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، محقق/مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۹.

۲. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، محقق/مصحح: صالح، صبحی، قم، هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق، نامه ۵۳.



خدای متعال این مقام را به شهید عنایت فرموده چون او بالاترین سرمایه خود را در راه پروردگار خود داده است و از همین جهت خدای متعال نیز بالاترین بخشش‌ها و عنایت‌ها را به شهید اختصاص داده است در روایتی از امام صادق علیه‌السلام آمده است:

«مَنْ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَمْ يَعْرِفْهُ اللَّهُ شَيْئاً مِنْ سَيِّئَاتِهِ؛^۱ کسی که در راه خدا کشته شود خداوند هیچ‌یک از گناهان و بدی‌هایش را به او نشان نمی‌دهد».

از این حدیث مشخص می‌شود که شهید دارای چه مقامی است که خداوند حتی گناهان او را به خود آن شخص هم نشان نمی‌دهد تا خجالت نکشد و از رفتارهای ناشایستی که داشته، شرم‌منده نگردد.

البته از سوی دیگر، روایاتی وجود دارد که می‌فرماید همه گناهان شهید بخشیده می‌شود غیر از حق‌الناس که بخشودنی نیست امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

«كُلُّ ذَنْبٍ يُكَفِّرُهُ الْقَتْلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا الدَّيْنَ لَا كَفَّارَةَ لَهُ إِلَّا آدَاؤُهُ أَوْ يُقْضَىٰ صَاحِبُهُ أَوْ يُعْفُوَ الَّذِي لَهُ الْحَقُّ؛^۲ کفاره هر گناهی،

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق/مصحح: غفاری علی‌اکبر و آخوندی، محمد، تهران،

دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۵۴.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۹۴.



شهادت است مگر بدهی و حق الناس که باید آن را ادا کند
یا صاحب آن را راضی نماید».

این روایات را این گونه می توان جمع نمود که اگر دسته اول از احادیث را بپذیریم باید بگوییم به دلیل والایی مقام شهید، خدای متعال ضمانت نموده از جانب او تمام بدهی ها و حقوقی که بر عهده شهید است را پرداخت نماید لذا او بری الذمه می گردد و خداوند همه بدهکاران او را راضی می گرداند در تأیید این قول، بهترین پاسخ همان چیزی است که امام صادق علیه السلام از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل نموده است. آن حضرت می فرماید:

«قِيلَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا بَأْسُ الشَّهِيدِ لَا يُفْتَنُ فِي قَبْرِهِ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِي كَفَى بِالْبَارِقِ قَوْقُ رَأْسِهِ فَنْتَه»^۱ «از رسول خدا صلی الله علیه و آله سوال شد، چرا شهید در قبرش، مورد امتحان و ابتلا قرار نمی گیرد؟ حضرت فرمودند: شمشیر بالای سر شهید هنگام شهادت، برای امتحان و ابتلای او کافی است».

^۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۵۴



بنابراین درست است که حق الناسی که بر عهده شهید است بخشیده نمی‌شود، اما خداوند از فضل و کرمش چنان به صاحب حق، عطا می‌کند تا او راضی شود.

اما نسبت به افرادی که بر مذهب حق نیستند و حتی ممکن است مسلمان هم نباشند ولی در راه حق و حقیقت به شهادت رسیده‌اند سه صورت قابل تصور است:

الف) گناهان آن‌ها حق الله است.

ب) گناهان آن‌ها حق الناس است.

ج) هم حقوقی الهی را به خوبی ادا نکرده است و هم حقوقی از مردم به گردن دارد.

بر اساس آنچه از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

«کسی که در راه خدا کشته شود خداوند هیچ‌یک از گناهان و بدی‌هایش را به او نشان نمی‌دهد». پس خداوند به فضل و کرم خود و با توجه به مقام والای شهید، تمام گناهان او را می‌بخشید و حق الناس‌های وی را نیز خود بر عهده می‌گیرد و رضایت صاحبان حق را برای شهید جلب می‌کند.



نتیجه

روایاتی که درباره عفو و یا عدم عفو گناهانی که به واسطه حق‌الناس بر عهده شهید آمده، بر دو گونه است دسته اول مانند آن مطلبی است که در سوال مطرح گردیده و دسته دوم احادیثی است که حق‌الناس را بر عهده شهید، ثابت می‌داند از این رو با پذیرش دسته اول از احادیث باید گفت به دلیل اهمیت و جایگاه مقام شهید و ایثاری که او از خود نموده، خدای متعال بدهی‌های او را بر عهده می‌گیرد و از جانب او، طلبکاران و حق‌داران او را راضی می‌نماید.

کلیدواژه: شهید، شهادت، حق‌الناس



کتابنامه

قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، محقق / مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیہ، محقق / مصحح: عراقی، مجتبی، قم: دار سید الشهداء للنشر، ۱۴۰۵ ق.
۳. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، الأمالی، محقق / مصحح: ندارد، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۴. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، الخصال، محقق/مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش.
۵. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، دارالشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ ق.
۶. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، بی تا.
۷. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، قم: دفتر انتشارات



- اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
۸. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، الامالی، بیروت، اعلمی، چاپ پنجم، ۱۴۰۰ ق.
۹. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۳ ق.
۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالفکر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۱۱. ابی نعیم الأصبهانی، حلیه الأولیاء و طبقات الأصفیاء، مصر: قاهره، بی تا.
۱۲. استرآبادی، علی، تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الظاهره، محقق / مصحح: استاد ولی، حسین، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۹ ق.
۱۳. بخاری، محمد بن اسماعیل ابوعبدالله، صحیح البخاری، تحقیق: مصطفی دیب البغا، بیروت: دار ابن کثیر، چاپ سوم، ۱۴۰۷ ق.
۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۹ هـ ق.



۱۵. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، محقق/مصحح: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۱۶. سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، قم، هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۱۷. سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، محقق / مصحح: صالح، صبحی، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۱۸. شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار (لشعیری)، نجف: مطبعة حیدریه، بی تا.
۱۹. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۴۱۷ ق.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمدجواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصرخسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، چاپ ۳، ۱۳۷۲ ه.ش.



۲۲. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامه، محقق / مصحح: قسم الدراسات الإسلامیه مؤسسه البعثه، قم: بعثت، ۱۴۱۳ ق.
۲۳. طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی (للطوسی)، محقق / مصحح: مؤسسه البعثه، قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴ ق.
۲۴. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحكام (تحقیق خراسان)، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۲۵. طوسی، محمد بن الحسن، مصباح المتهدد و سلاح المتعبد، محقق / مصحح: ندارد، بیروت: مؤسسه فقه الشیععه، ۱۴۱۱ ق.
۲۶. فخر رازی، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب) محمد بن عمر، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق.
۲۷. قضاعی، محمد بن سلامه، شرح فارسی شهاب الأخبار، محقق / مصحح: حسینی أرموی (محدث)، جلال الدین، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱ ش.



۲۸. قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبه الله، الدعوات (للاوندی) / سلوه الحزین، قم: انتشارات مدرسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۴۰۷ ق.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح و تحقیق علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ۴، ۱۴۰۷ ق.
۳۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار، محقق / مصحح: جمعی از محققان، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۳۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، سال انتشار ۱۴۰۴ ق.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۳۳. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، محقق عباس قوچانی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چ ۷، ۱۳۶۲ ش.
۳۴. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محقق / مصحح: مؤسسه آل‌البتی علیهم‌السلام، قم: مؤسسه آل‌البتی علیهم‌السلام، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.



٣٥. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه

آل البيت، ١٤٠٨ هـ.ق.

٣٦. ورام بن أبی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام، قم،

مکتبه فقیه، چاپ اول، ١٤١٠ ق.



دفتر تبلیغات اسلامی
حوزه علمیه قم

اشاره کردید که چند میلیون سؤال از شما شده است، غالباً خیلی از سؤال کننده‌ها جوان‌ها و دانشجوها هستند. این کار خوبی است، البته این سنتی بوده که از قبل در حوزه وجود داشته است. ممکن است یک نفر سؤال کند اما این سؤال در ذهن هزار نفر باشد توصیه من در مورد این سؤال‌ها این است که اینها را تدوین کنید، چاپ کنید و به شکل‌های خوب در اختیار جوان‌ها و دانشجوها بگذارید و بگویید این سؤال‌ها شده، جواب‌های اینها است؛ به نظر یکی از کارهای واجب این است.

